

تحول زکات در قرآن از واجبی فردی به واجبی حکومتی بر اساس ترتیب نزول سور قرآن کریم

دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۶ تأیید: ۱۴۰۲/۷/۱۸ سیدضیاءالدین کیاء الحسینی*

چکیده

زکات یکی از واجبات مالی است که علاوه بر اسلام، در ادیان دیگر نیز بدان امر شده است. هدف از این واجب مالی طهارت روح، پاکی مال و برکت در آن، پر کردن خلات اقتصادی جامعه می باشد. در آیات فراوان مکی و مدنی به این تکلیف مالی امر شد، لکن مثل بسیاری از تکالیف، ترتیب نزول آیات قرآن در نوع حکم و موضوع و مصارف آن اثرگذار بود و لذا هدف این مقاله بررسی تحول حکم و موضوع و مصارف زکات با روش تحلیل محتوا است. یافته های این مطالعه نشان می دهد که زکات در مکه بر مسلمانان واجب شده بود و موضوع آن منحصر در موارد ۹ گانه فقهی نبود، بلکه مبنای آن برآوردن نیاز نیازمندان بود؛ چرا که در آن زمان عمده مسلمانان از فقرا و بردگان و نیازمندان بودند. ضمن این که این واجب مالی منحصر به زکات نبود، بلکه خداوند در قرآن به مواردی مثل انفاق، قرض الحسنه، اطعام یتیم و فقیر، حق المعلوم، حق الحصاد و ماعون نیز امر فرمود. به همین دلیل، در سور ابتدایی کم تر کلمه (زکات) استفاده شده و برای این واجب مالی، کلمات مشابه بکار رفته است، ولی با گذر زمان و افزایش مسلمانان و تعمیق پیوندهای اجتماعی، تعداد آیاتی که در آن به طور معین به (زکات) امر شده افزایش می یابد. زکات در ابتدا و در کنار دیگر تکالیف مالی به صورت عام واجب بود و مصارف آن به اختیار مؤدیان آن بود، ولی در مدینه و با صلاح دید پیامبر ۹ موارد تعلق آن کاهش یافت و برای وجوب و ادا و مصارف آن شرایطی مقرر گردید.

واژگان کلیدی

ترتیب نزول، زکات، تکالیف مالی، سور مکی، سور مدنی

* دانش آموخته حوزه علمیه و عضو هیأت علمی دانشگاه مفید: zkiaalhoseini@gmail.com

مقدمه

یکی از مباحث مرتبط با احکام فقهی در قرآن، تدریجی بودن آن در طی دوران نبوت رسول اکرم 9 می باشد که به عنوان نمونه می توان تدریجی بودن وجوب نماز و تحریم ربا و حرمت شراب اشاره کرد. آماده نبودن زمینه روحی، تربیتی و اجتماعی؛ آمادگی بیش تر جامعه در پذیرش احکام در بستر زمان، تغییر بینش ها و رفتارهای جاهلی مردم و دور شدن از ساختارهای روحی و اجتماعی جاهلیت، از علل عمده تدریجی بودن احکام فقهی در قرآن بود. مثلاً تحریم شراب خواری در قرآن در چهار مرحله انجام پذیرفت (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۷۴-۷۰). هم چنین، تحریم ربا نیز در چهار یا پنج مرحله انجام گردید (الطباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۴۰۸ و مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۶۴). بنابراین، مفاهیم موجود در قرآن با آنچه که در فقه مصطلح است، متفاوت می باشد؛ زیرا آنچه که در قرآن آمده مرتبط با دوران نزول وحی بوده و طبیعتاً عوامل فوق بر تغییر مفاهیم و احکام مؤثر می باشد، اما آنچه که در فقه مصطلح آمده، بعد از دوران نزول وحی و تبیین احکام و تنقیح موضوعات آن، توسط معصومین : می باشد؛ به نحوی که بسیاری از احکام و موضوعات آن و هم چنین مفاهیم، به صورت روشن و همه فهم درآمده بود. یکی از این موارد، حکم وجوب (زکات) است که مشتقات ماده اصلی آن (زک و) ۵۹ بار در قرآن مورد استفاده قرار گرفته که ۲۸ مورد آن با کلمه (الزکاه) است. این کلمه در سور مکی و مدنی بکار رفته، ولی مشهور معتقدند که در مدینه واجب شده و بعضی از اندیشمندان معتقدند که با نزول آیه ۱۰۳ سوره توبه بر مسلمانان واجب گردید. معنای اصطلاحی آن در فقه عبارت از صدقه ای است که بر اساس شرع واجب شده و به حقی واجب در مال به شرط رسیدن به حد نصاب تعلق می گیرد (النجفی، ۱۹۸۲م، ج ۱۵، ص ۳-۲). اجماع فقهای شیعه وجوب آن را از ضروریات دین برشمرد و منکر آن را کافر می دانند (الحلی، ۱۹۸۳م، ج ۱، ص ۱۴۴-۱۴۰؛ الطباطبائی الیزدی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۶ و الموسوی الخوئی، ۱۳۶۴، ج ۶، ص ۶۴).

گرچه موارد وجوب زکات مورد اختلاف فریقین است، ولی تعلق آن بر ۹ مورد در صدر اسلام مورد وفاق است. نوشتار حاضر در صدد است تا بر اساس ترتیب نزول سور قرآن، معنا و نوع حکم فقهی و توسعه یا ضیق معنا و موارد شمول آن را با روش تحلیل محتوا مورد بررسی قرار دهد.

پیشینه تحقیق

به دلیل اهمیت زکات، از قدیم الایام در عمده آثار فقهی شیعه و سنی مورد بحث قرار گرفته و فقهای شیعه و اهل سنت، بابتی مستقل را به آن اختصاص داده‌اند. آنان علاوه بر مباحث فقهی در جوامع فقهی، کتب مستقلی را نیز در این مورد به رشته تحریر درآوردند که «الزکاة علی الشریعة الإسلامیة الغراء» و «عدم انحصار زکات در موارد نه‌گانه» از جمله آن می‌باشد. لکن به دلایل مختلف عمده مباحث مربوط به احکام فردی مرتبط با فقه الزکاة می‌باشد و مباحث مرتبط با زکات در قرآن مورد بحث قرار نگرفته؛ مگر این‌که در قالب آیات الاحکام مورد دقت قرار گرفته باشد. اما به دلیل قرابت فقهای اهل سنت با حاکمان سرزمین‌های اسلامی در طی قرون گذشته، فقه الزکاه در نزد فقهای اهل تسنن با نگاهی تقنینی و حکومتی تدوین شده است که به عنوان نمونه «کتاب الخراج» تألیف قاضی ابویوسف و «الاحکام السلطانیة» اثر ابوالحسن الماوردی در قرون اولیه و «بحوث فی الزکاة» تألیف رفیق یونس المصری و کتاب «فقه الزکاة» اثر یوسف القرضاوی در قرن اخیر از جمله آن‌هاست. گرچه در سال‌های اخیر، کتاب ۴ جلدی «فقه الزکاة» توسط آیه الله منتظری و بعضی از آثار توسط دیگر اندیشمندان در قلمرو فقه شیعه به رشته تحریر در آمده است، اما همگی آن‌ها بر مباحث فقهی تأکید داشته‌اند.

در بخش تفسیر نیز عمده آثار تفسیری به تفسیر کتاب وحی بر اساس ترتیب مصحفی و کامل پرداختند که مباحث مربوط به زکات در ذیل آیات مربوطه مورد بررسی قرار گرفته و کم‌تر به سال نزول آیات و ترتیب سور و آیات مربوطه

پرداخته شده است. لکن از یک قرن قبل، روش تفسیری جدیدی بر اساس ترتیب نزول سور قرآن بر قلب نازنین پیامبر اکرم 9 وارد ادبیات تفسیر قرآن گردیده است. آغاز تفسیر بر مبنای ترتیب نزول، به قرن چهاردهم قمری برمی گردد و هدف از آن پی بردن به مفاهیم قرآن با توجه به حکمت نزول تدریجی این کتاب آسمانی و ارشادات مهمی که در شیوه ترتیب وجود دارد، می باشد. چند نمونه مهم از این نوع تفسیر را می توان این گونه معرفی کرد: اولین اثر تفسیر «بیان المعانی علی حسب ترتیب النزول»، اثر «عبدالقادر ملاحویش آل غازی» است که در سال ۱۳۵۵ هجری قمری تدوین گردید. هدف مؤلف، اطلاع مسلمانان از تاریخ نزول آیات، زمان و مکان، چگونگی نزول قرآن و اسباب آن، وقایع و حوادث آن، تقدم و تأخر، عام و خاص، مطلق و مقید و هم چنین ناسخ و منسوخ بودن آیات بوده است (فرشچیان، ۱۳۸۸، ش ۱۹، ص ۹۰ و مهدوی راد، ۱۳۸۲، ص ۱۰۳-۹۸). ضمن این که ایشان تنها به ترتیب نزول سور بر مبنای «ترتیب الازهر» پرداخته و ترتیب نزول آیات را امری غیر ممکن می دانست. اثر دیگر، «التفسیر الحدیث» است که توسط مورخ فلسطینی، «محمد عزّه دروزه» در سال ۱۳۸۰ هجری قمری و در ۱۰ جلد به رشته تحریر در آمد. نویسنده هدف خود را از اتخاذ چنین شیوه درک دقیق تر زمان سیره نبوی و مراحل نزول قرآن و درک بهتر مفاهیم آن بر می شمارد (دروزه، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۱۳۰۹). تفسیر از سوره فاتحه الكتاب شروع و به سوره نصر ختم می شود. در عمل ایشان نیز به دلیل فوق الذکر همه آیات یک سوره را در یک جا تفسیر نمود (همان، ص ۲۰). «شیخ عبدالرحمن حینکه» معروف به الميدانی مفسر بعدی است که تفسیر «معارج التفکر و دقائق التدبر» را تدوین کرد. او متولد ۱۳۴۵ قمری در شهر الميدان سوریه است. از سال ۱۴۱۸ اقدام به تدوین تفسیر نمود، ولی متأسفانه اجل فرصت اتمام تفسیر را از او گرفت و تنها موفق به تفسیر ۸۷ سوره از سوره علق تا سوره بقره (اولین سوره مدنی) گردید.

مهندس مهدی بازرگان در منهج تفسیری در کتاب «پایه پای وحی» در اثر خود در تلاش بود تا با روش و استدلال آماری، ترتیب نزول آیات را اثبات نماید؛ هر

چند خود نویسنده ادعای قطعیت در این مورد نمی‌کند. مبنای ایشان تفسیر بر اساس ترتیب نزول آیات بود که تنها موفق به تفسیر سوری که در چهار سال اول رسالت بر پیامبر اکرم نازل شد، گردید (فرشچیان، ۱۳۸۸، ش ۱۹، ص ۹۵ و ایازی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۷). ایشان ضمن قبول ترتیب نزول در مصحف علی ۷، آن را عاملی برای انتخاب این روش تفسیری معرفی می‌کند. در دوران معاصر نیز عبدالکریم بهجت‌پور در آثار خود به تبیین مبانی و اصول این روش تفسیر پرداخته و هم‌چنین تفسیر «همگام با وحی، تفسیر نزولی قرآن» را تا به حال در قالب ۶ جلد منتشر کرده که به ترتیب شامل تفسیر سوره علق تا لقمان می‌باشد. در تفسیر این سوره‌ها ایشان در ابتدا محتوا و مقصود اصلی آن‌ها را بیان نموده و سپس ارتباط و تناسب سوره با سوره‌های قبل و بعد را ذکر می‌نماید و سپس به تفسیر آیات آن سوره می‌پردازد. نکته‌های روش‌شناختی در تفسیر هر سوره و سبب نزول و فضیلت سوره، بعد از آن ذکر می‌گردد. هدف مفسر این است که گامی منظم و بر اساس واقعیت‌های اجتماعی عصر نزول برداشته و از لحاظ تاریخ نزول، واقعیت‌هایی را از قرآن استخراج کند.

گرچه بعد از ظهور این منهج تفسیری، نقدها و اشکالاتی بر آن مطرح و دفاعیاتی از آن انجام شده و حتی خود این مفسران نیز به بعضی از نقاط ضعف آن اذعان داشته‌اند، ولی برای پی‌بردن به تحولات مفاهیم، احکام و حتی مسائل اجتماعی در عصر ظهور می‌توان از این منهج استفاده کرد. لذا این مقاله در صدد است تا حکم زکات و موضوع آن را در قرآن کریم و بر اساس ترتیب نزول سوره‌های آن، مورد مطالعه قرار دهد. چرا که در عصر نزول، جامعه اسلامی دچار تحولات اجتماعی و اقتصادی زیادی گردید. مثلاً در ابتدای بعثت، عمده ایمان‌آوردگان از فرودستان و بردگان بوده و در عسر و سختی شدیدی زندگی می‌کردند و لذا مساعدت متمولین از اهل ایمان گسترده‌تر بود. ولی بعد از هجرت و همه‌گیر شدن اسلام از یک طرف و تشکیل حکومت اسلامی از طرف دیگر اقتضا می‌کرد تا این پرداخت مالی (مثل همه نظامات مالی) منظم و سازماندهی شود. لذا می‌بایست نوع حکم آن، پایه مالیاتی، شرایط تعلق، مصارف و

دیگر احکام آن تبیین گردد که این مهم از بررسی آیات مربوطه به حسب ترتیب نزول سور قرآن ممکن می‌باشد.

ترتیب سور قرآن

در این مقاله ما به آنچه که از الازهر و مرحوم آیه‌الله معرفت نقل شده (مورد دوم با روایت امام صادق 7 و ابن عباس هم هماهنگ است) اعتماد می‌کنیم (معرفت، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۰۳). بنا بر هر دو روش، سور مکی مجموعاً ۸۶ سوره می‌باشند که از سوره علق شروع و سوره مطففین آخرین سوره مکی است. بقره اولین سوره مدنی بوده ولی به نظر الازهر سوره مائده آخرین و به نظر مرحوم معرفت سوره توبه آخرین سوره منزل می‌باشد (به نظر الازهر، توبه سوره ۱۰۲ می‌باشد). البته ترتیب بقیه سور به قوت خود باقی است، ولی شماره‌های آنها با یک شماره جابه‌جا می‌شود. همچنین به نظر الازهر سوره صف سوره ۱۰۹ ام و سوره جمعه سوره ۱۱۱ ام و نظر مرحوم معرفت عکس آن است که خللی به بحث وارد نمی‌کند؛ زیرا اولاً تعداد آیات مشتمل بر «زکات» قریب به ۳۰ آیه بوده و هم‌چنین در این سور، آیه مشتمل بر زکات بسیار نادر است. بنابراین، ترتیب سور در مقاله حاضر به صورت زیر می‌باشد:

سور مکی عبارتند از: علق، قلم، مزمل، مدثر، حمد، مسد، تکویر، اعلی، لیل، فجر، ضحی، انشراح، عصر، عادیات، کوثر، تکاثر، ماعون، کافرون، فیل، فلق، ناس، اخلاص، نجم، عبس، قدر، شمس، بروج، تین، قریش، قارعه، قیامت، همزه، مرسلات، ق، بلد، طارق، قمر، ص، اعراف، جن، یس، فرقان، فاطر، مریم، طه، واقعه، شعراء، نمل، قصص، اسراء، یونس، هود، یوسف، حجر، انعام، صافات، لقمان، سبأ، زمر، مؤمن، فصلت، شوری، زخرف، دخان، جاثیه، احقاف، ذاریات، غاشیه، کهف، نحل، نوح، ابراهیم، انبیاء، مؤمنون، سجده، طور، ملک، حاقه، معارج، نبأ، نازعات، انفطار، انشقاق، روم، عنکبوت و مطففین (بهجت‌پور، ۱۳۹۲، ص ۳۴۹-۳۴۴).

سور مدنی نیز به نظر مرحوم معرفت عبارتند از: بقره، انفال، آل عمران، احزاب،

ممتحنه، نساء، زلزال، حدید، محمد، رعد، الرحمن، انسان، طلاق، بینه، حشر، نصر، نور، حج، منافقون، مجادله، حجرات، تحریم، جمعه، تغابن، صف، فتح، مائده و توبه (همان). این سوره به نظر الازهر این گونه مرتب شدند: بقره، انفال، آل عمران، احزاب، ممتحنه، نساء، زلزال، حدید، محمد، رعد، الرحمن، انسان، طلاق، بینه، حشر، توبه، نصر، نور، حج، منافقون، مجادله، حجرات، صف، تحریم، جمعه، تغابن، فتح و مائده (همان، ص ۳۴۴-۳۴۱).

زکات در لغت

در مقایسه اللغه آمده است: (ز ک و) حرف معتل در آن اصل است و دلالت بر نما و زیاده دارد (ابن فارس، ۱۹۷۹م، ج ۳، ص ۱۸-۱۷). لسان العرب می گوید: اصل زکات در لغت طهارت، رشد، برکت و مدح است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۳۵۸). راغب اصفهانی آورده است: اصل زکات نمو و حاصل از برکات خداوندی است؛ این معنا هم در امور دنیوی و هم در امور معنوی گفته می شود (الراغب الاصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۱۳). زکات در کلام عرب به دو معنای نما (رشد) و طهارت (پاکی) آمده است. در کتاب الصحاح می خوانیم:

و زکا الزرع یزکو زکاءً ممدود، ای نما و ازکاه الله و غلام زکیّ ای زاک. قد زکا یزکو زکواً و زکاءً، عن الاخفش (الجوهري، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۲۳۶۸).

و در باب تفعیل آن را ادای زکات معنا کرد. در المنجد به هر دو معنا آمده است. در بخش اول به باب تفعیل و افعال رفته که به معنا زیادشدن و زیادکردن شیء و در بخش دوم به معنای دوّم؛ یعنی نیکویی و پاکی استعمال شده است. در باب تفعیل (زکاه الله) به معنای اخذ زکات نیز در کلام عرب وارد شده و در باب تفعّل به معنای صدقه دادن و پاک شدن می باشد. هم چنین به معنای مالی که مالک برای طهارت مال خود می پردازد (صدقه) و به معنای طهارت نیز آمده است (المعلوف، ۱۹۹۸م، ص ۳۰۳). در مجمع البحرین می خوانیم:

و قد تکرر ذکر الزکاة فی الكتاب و السنة، و هی اما مصدر (زکیّ) اذا نمی

لأنّها تستجلب البركة في المال و تنميه و تفيد النفس فضيلة الكرم و امّا
مصدر (زكا) اذا طهر لانها تطهر المال من الخبث و النفس البخيلة من البخل
(الطريحي، ١٩٨٥م، ص ٢٠٥).

... سپس شواهدی را از آیات قرآن ذکر می‌کند.

از مجموع مطالب نتیجه می‌گیریم: ١. زکات در کلام عرب از ماده (ز ک و)
می‌باشد. ٢. زکات در ابواب ثلاثی مجرد یا مصدر فعل (زَكُوْاْ - زَكِيَ - يَزْكِي) به معنای
رشد و نمو در مال و ایجاد کرامت و بزرگی برای نفس آدمی است و یا مصدر فعل
(زكا - يَزْكُو) می‌باشد که به معنای پاکی است؛ زیرا شخص با دادن زکات مال، هم
مالش را پاک می‌کند و هم نفس خود را از ناپاکی و بخل پاک می‌گرداند.

زکات در قرآن

مشتقات ماده (ز ک و) پنجاه و نه بار در قرآن استعمال شده است. از این تعداد ٣٣
بار کلمه (زكاة) بکار رفته که ٢٨ مورد آن با (ال)؛ یعنی (الزكاة) می‌باشد. در ٢٦ مورد
آن، با کلمه (الصلوة) همراه است. ٢٠ مورد این آیات در سور مدنی می‌باشند که به
ترتیب مصحفی عبارتند از: بقره، آیات ٤٣، ٨٣، ١١٠، ١٧٧ و ٢٧٧؛ نساء، آیات ٧٧ و
١٦٢؛ مائده، آیات ١٢ و ٥٥؛ توبه، آیات ٥، ١١، ١٨ و ٧١؛ حج، آیات ٤١ و ٧٨؛ نور
آیات، ٣٧ و ٥٦؛ احزاب، آیه ٣٣؛ مؤمنون، آیه ٤ و بیّنه، آیه ٥ و شش آیه باقی‌مانده در
سور مکی می‌باشند که عبارتند از مریم، آیات ٣١ و ٥٥؛ انبیاء، آیه ٧٣؛ نمل، آیه ٣؛
لقمان، آیه ٤ و مزمل، آیه ٢٠ که عمده مفسرین قائلند این آیه مدنی است. تنها در دو
مورد کلمه (الزكاة) بدون (الصلوة) ذکر شده که عبارتند از: اعراف، آیه ١٥٦ و فصلت،
آیه ٧ که هر دو آیه مکی می‌باشند؛ یعنی آیه مدنی که در آن کلمه (الزكاة) بدون
(الصلوة) استعمال شده باشد، وجود ندارد. در سه مورد کلمه (زكاة) بدون (ال) نازل
شده که عبارتند از: سوره الکهف، آیه ٨١؛ سوره مریم، آیه ١٣ و سوره روم، آیه ٣٩
می‌باشد.

مشتقات (ز ک و) در باب تفعیل در ده آیه قرآن استعمال شده که جملگی به معنای

طهارت و پاکی است. آیات مربوطه عبارتند از: بقره، آیات ۱۲۹، ۱۵۱ و ۱۷۴. آل عمران، آیات ۷۷ و ۱۶۴؛ نساء، آیه ۴۹؛ نور، آیه ۲۱؛ توبه، آیه ۱۰۳؛ جمعه، آیه ۲ و شمس، آیه ۹. البته در سوره نساء، آیه ۴۹ و نجم، آیه ۳۲ به معنای خودستایی یا خود را پاک انگاشتن نیز آمده است. در باب تفعّل که مطاوعه باب تفعیل می‌باشد نیز در استعمالات قرآنی به معنای طهارت و پاکی آمده است. این آیات عبارتند از: طه، آیه ۷۶؛ فاطر، آیه ۱۸؛ اعلیٰ، آیه ۱۴ و لیل، آیه ۱۴. ولی دو آیه از بین این آیات ارتباط اعطاء مال فی سبیل الله و طهارت نفس را عنوان می‌کند که عبارتند از: آیه ۱۰۳ سوره توبه و آیه ۱۸ سوره لیل هستند. از آنجا که هدف مقاله بررسی معنای زکات در قرآن کریم به ترتیب نزول سور آن می‌باشد، لذا ذیلاً ترتیب سور به حسب نزول معرفی می‌شوند.

بررسی آیات مشتمل بر زکات به ترتیب نزول سور

به منظور بررسی زکات بر اساس منهج ترتیب نزول، در آغاز، آیات موجود در سور مکی و سپس سور مدنی را مطرح می‌کنیم:

۱. اولین سوره‌ای که در آن کلمه زکات ذکر شده، سوره مزمل (سوره سوم به ترتیب نزول) است که آیه بیستم آن در بیانی طولانی وظایف چهارگانه (اقامه نماز، ایتاء زکات، انفاق در راه خدا و استغفار) را به مسلمانان مجاهد متذکر می‌شود. عمده مفسران به دلیل وجوب جهاد در مدینه، معتقدند که این آیه مدنی و از سال دوم هجری به بعد می‌باشد و منظور از «نماز» در این جا نمازهای واجب پنج‌گانه و منظور از «زکات» زکات واجب و منظور از «قرض الحسنه» نیز انفاق‌های مستحبی است.

۲. دومین آیه، آیه ۱۵۶ سوره اعراف (سوره ۳۹ ام) است که در آن خداوند شمول رحمتش را منحصر به کسانی می‌داند که تقوا پیشه کرده، زکات بپردازند و به آیات او ایمان داشته باشند.

۳. در سوره مریم ۳ (۴۴ امین سوره)، سه آیه مشتمل بر کلمه زکات می‌باشد که

- همگی مربوط به انبیای سلف می‌باشند. اولین آیه، آیه ۱۳ و توصیه حضرت یحیی 7 است که در آن کلمه (زکات) به معنای پاکی و طهارت - یعنی معنای لغوی آن - بکار رفته است. دو آیه بعدی، آیه ۳۱ و آیه ۵۵ به ترتیب دستور خداوند به حضرت عیسی 7 و اسماعیل صادق الوعد برای پرداخت زکات است.
۴. سوره بعدی، سوره نمل (سوره ۴۷ ام) است که در آیات آغازین این سوره خداوند پرداخت زکات را از جمله صفات اهل ایمان برمی‌شمارد.
۵. هم‌چنین در آیات آغازین سوره لقمان (سوره ۵۷ ام) نیز در قالب دستورات عمومی برای سعادت‌مندی مؤمنین به زکات امر شده است.
۶. اما آیات آغازین سوره فصلت (۶۱ امین سوره) عدم پرداخت زکات را از خصایص مشرکین نام می‌برد.
۷. در آیه ۷۳ سوره انبیاء (سوره ۷۳ ام) اقامه نماز و ایتاء زکات از جمله دستورات انبیای عظامی که از مقام امامت برخوردارند، ذکر شده است.
۸. در آیات ابتدایی سوره مؤمنون (سوره ۷۴ ام) نیز ایتاء زکات در کنار دیگر ویژگی‌های حمیده، از خصوصیات و مشخصات اهل ایمان ذکر شده است. مفسرین معتقدند که مراد از زکات در این آیه، معنای مصدری آن و مفعول کلمه (فاعلون) می‌باشد. گرچه بعضی از مفسرین این احتمال را از نظر دور نگذاشتند که زکات به همان معنای معروفش؛ یعنی مقداری از مال می‌باشد که در این صورت (فاعلون) به معنای (مؤدّون یا اداکنندگان) خواهد بود (الطباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۱۵، ص ۹-۱۰).
۹. در سوره روم (سوره ۸۴ ام)، خداوند در آیه ۳۹ دو نمونه از انفاقات که یکی برای خدا و دیگری به منظور رسیدن به مطامع دنیاست را ذکر می‌کند. معنای جمله دوم در این آیه - یعنی ایتاء زکات و انجام انفاق - در راه خدا روشن است و موجب اجر و پاداش فراوان می‌باشد. اما در مورد جمله اول با توجه به معنای لغوی «ربا» تفسیرهای مختلفی ارائه شده است. لازم به ذکر است که این سوره آخرین سوره مکی‌ای است که مشتمل بر (زکات) است.

به دلیل تشکیل حکومت اسلامی در مدینه و ارتقای سطح درآمد مردم و دیگر دلایل مذکور، آیات مشتمل بر زکات در سوره مدنی بیش تر می باشد که ذیلاً به بررسی آنها می پردازیم:

۱۰. در سوره بقره که اولین سوره نازل شده در مدینه می باشد، در آیات ۴۳، ۸۳، ۱۱۰، ۱۷۷ و ۲۷۷ زکات ذکر شده است. در آیه ۴۳ به دنبال پیمانی که خداوند از یهود گرفته بود (آیه ۴۰) و از جمله آن پیمان ها، ایمان به پیامبران الهی و اطاعت فرمان های او بود، در آیات بعدی به نه بخش از دستوراتی که به یهود داده شده اشاره می کند. آیه ۸۳ این سوره هم به پیمان های بنی اسرائیل و دیگر دستورات اخلاقی و عبادی می پردازد که از جمله آن پیمان ها، ادای زکات است. اما در آیه ۱۱۰ سوره بقره، تکلیف به نماز و زکات متوجه مسلمانان است. آیه ۱۷۷ این سوره نیز دلالت بر وجوب زکات می کند و علامه طباطبایی می فرماید:

سپس زکات را که حکمی مالی و مایه معاش صالح است، ذکر فرموده و قبل از این دو بذل مال که عبارت است از انتشار خیر و احسان غیر واجب را ذکر کرد که مایه رفع حوائج محتاجین است (المیزان، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۴۳۵). آیه ۲۷۷ نیز مسلمانان را مورد خطاب قرار می دهد. این آیه در کنار آیات دیگر که در نهی ربا و رباخواری وارد شده مجموعه ای از آیات مهم در مورد موضوعات اجتماعی در قرآن کریم می باشد. این آیات در مقام توصیف جامعه ای که به سوی عدالت در حرکت است، سلطه طلبی ظالمانه از طریق ربا را با بیانی محکم و تشبیهی عجیب مورد نهی و غضب خداوند سبحان قرار می دهد. این افراد با تراکم ثروت و به وجود آوردن اختلاف طبقاتی، انواع مختلفی از جنایات و مفاسد را مرتکب خواهند شد. ولی در نقطه مقابل، کسانی که در پرتو ایمان و در پاسخ به عواطف فطری خود، علاوه بر ارتباط با پروردگار و برپاداشتن نماز، به کمک و حمایت نیازمندان می شتابند، طبیعی است که آنها مشمول پاداش الهی بوده و در هر دو جهان از نتیجه عمل نیک خود بهره مند می باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۷۶). مرحوم علامه در تفسیر این آیه می فرماید:

رباخوار پول بالعوض می گیرد و انفاق گر پول بالعوض می دهد و نیز آثار سویی که بر رباخواری بار می شود، درست مقابل آثار نیکی است که از صدقه و انفاق به دست می آید. آن یکی اختلاف طبقاتی و دشمنی می آورد و این یکی بر رحمت و محبت می افزاید. آن یکی اختلاف در نظام اجتماعی و اقتصادی و ناامنی می آورد و این یکی انتظام در امور و امنیت (الطباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۴۲۲-۴۱۸).

۱۱. آیه ۳۳ سوره احزاب (سوره ۹۰ م) به تکالیف عمومی و اختصاصی زنان پیامبر اکرم ۹ می پردازد که استقرار در منزل، عدم تزیین خود به سبک دوران جاهلیت، اقامه نماز، ایتاء زکات و اطاعت از خدا و رسول می باشد.

۱۲. اما در آیه ۷۷ سوره نساء (۹۲ امین سوره) و آیات قبل و بعد به نصیحت افراد سست ایمانی می پردازد که به دنیای ناپایدار دل نبندند. خداوند در این آیه به آنان دستور می دهد تا دست به شمشیر نبرند و هم چنان به اقامه شعائر دین؛ یعنی اقامه نماز و ادای زکات بپردازند تا استخوان بندی دین آنها محکم شده و بالمآل نیروی مقابله با کفار را پیدا کنند و در آیه ۱۶۲ همین سوره به مذمت و نکوهش منحرفان یهود پرداخته و افراد با ایمان و پاکدامن یهود را استثنا کرده و مورد ستایش قرار می دهد (یهودیانی که در علم و دانش راسخند و ایمان به خدا داشته و به آنچه بر تو نازل شده و آنچه بر پیامبران پیشین نازل گردیده ایمان می آورند و اقامه نماز کرده و زکات پرداخت کنند و به روز جزا ایمان داشته باشند، ما به زودی پاداش بزرگی به آنها خواهیم داد).

۱۳. آیات سوره بینه (۱۰۰ امین سوره نازل شده) متوجه اهل کتاب است که در آیه ۵ مأمور به آنها را عبادت خالصانه خدای سبحان، اقامه نماز و ادای زکات معرفی می کند و این نشان می دهد که در آیین اهل کتاب نیز توحید و نماز و زکات وجود داشته و اینها موضوعات ثابتی هستند، ولی آنها به این دستورات نیز وفادار نماندند.

۱۴. در سوره نور (سوره ۱۰۳ م) دو آیه ۳۷ و ۵۶ مشتمل بر لفظ «زکات» است. آیه ۳۷ به همراه آیات قبل در مقام توصیف مردان و زنان مؤمنی است که منازل آنها به واسطه ذکر دائمی خدا و دیگر صفات حمیده، به نور تشبیه شده و تجارت و مظاهر دنیا

آنها را از ذکر خدای سبحان و اقامه نماز و ایتاء زکات باز نمی‌دارد. هم‌چنین آیه ۵۶ و ۵۵ نیز در وصف مؤمنین پاکی است که خداوند وعده خلیفه‌بودن آنها را داده که ادای زکات از جمله وظایف آنهاست.

۱۵. آیه ۴۱ سوره حج (سوره ۱۰۴ ام) نیز شبیه به آیه ۵۶ سوره نور در وصف مؤمنانی است که در صورت تمکن و تشکیل حاکمیت و یا وراثت زمین، اقدام به اقامه عدل و احکام خدا از جمله اقامه نماز و ایتاء زکات می‌نمایند. دو آیه ۷۷ و ۷۸ این سوره نیز به توصیف مؤمنین پرداخته و آنان را به رکوع، سجود، عبادت، فعل خیر، جهاد در راه خدا و اعتلای دین حنیف، اقامه نماز، ایتاء زکات و وحدت کلمه امر می‌کند.

۱۶. آیات ۸ تا ۱۳ سوره مجادله (سوره ۱۰۶ ام) مربوط به احکام نجوی و مجالسه می‌باشد که آیه ۱۳ حکم صدقه را نسخ نموده و با عتاب اصحاب و مؤمنین (به استثنای علی ۷) را به خاطر عدم پرداخت صدقه مورد نکوهش قرار می‌دهد، سپس در مقام عفو، از گناه آنها در گذشته و به آنها می‌گوید این فرصت را غنیمت شمرده و در امتثال سایر تکالیف الهی؛ مثل نماز و ادای زکات و اطاعت از پیامبر کوشا باشید (الطباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۱۹۰-۱۸۹ و الطبرسی، ۱۴۰۸، ج ۹، ص ۲۵۲).

۱۷. در آیه ۱۲ سوره مائده (سوره ۱۱۳ ام)، خداوند در خطابی به بنی‌اسرائیل که قابل تعمیم به مسلمین نیز می‌باشد، شرط برخورداری از نصرت خود و استمرار نعمت‌هایش را مشروط به اقامه نماز، ادای زکات، ایمان به پیامبر و یاری او و پرداخت قرض‌الحسنه می‌کند و می‌فرماید در صورت وفای به این پیمان‌ها، سیئات و گناهان گذشته شما را می‌بخشم و منظور از قرض‌دادن به خدا، صدقات مستحبی است، نه زکات واجب. آیه ۵۵ این سوره که به آیه ولایت مشهور است، شرط ولایت را اقامه نماز و ادای زکات می‌داند و روشن است که منظور از ولایت در این آیه، سرپرستی است و زکات در این آیه نیز زکات مستحب است.

۱۸. در آیه ۵ سوره توبه که ۱۱۴ امین و آخرین سوره نازل‌شده بر پیامبر گرامی اسلام ۹ است، شرط عدم محاربه مسلمین با مشرکین محارب در ماه‌های غیر حرام را

توبه حقیقی مشرکین، اقامه نماز و ادای زکات برشمرده و در صورت تحقق هر سه شرط، آنان از حصر درخواهند آمد. آیه ۱۱ نیز شرط بازگشت حقیقی مشرکین را بیان می‌کند. در آیات گذشته می‌فرمود در صورت توبه و انجام تکالیف اسلامی؛ مثل نماز و زکات، مزاحم‌شان نشوید «فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ»، اما در این آیه آنان را برادران ایمانی معرفی می‌کند و این به معنای عدم تفاوت با مسلمانان از نظر احترام و محبت می‌باشد. اما در آیه ۱۸ خداوند با ۵ شرط افرادی که می‌خواهند به نحو حقیقی اقدام به آبادانی مساجد اقدام نمایند را بیان می‌کند که عبارتند از: ایمان به خدا و روز رستاخیز؛ اقامه نماز و ادای زکات است؛ یعنی ایمان او از مرحله اعتقاد باید به مرحله عمل رسیده و توسعه یافته و شرط پنجم عدم ترس از غیر خدا را بیان می‌نماید (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۳۷۷). آیه بعدی، آیه ۶۰ این سوره است. این آیه گرچه مشتمل بر لفظ «زکات» نیست، ولی تنها آیه‌ای در قرآن است که مصارف هشت‌گانه زکات مصطلح در فقه را بیان می‌کند. قاطبه مفسرین معتقدند که این آیه دلالت بر موارد مصرف زکات داشته و بعد از وجوب آن، بر پیامبر ۹ نازل شد و بعد از نزول این آیه مردم از توزیع زکات بر اساس تشخیص و تمایل خود منع شده و توزیع آن توسط بیت‌المال انجام می‌پذیرفت. آخرین آیه مرتبط با بحث، آیه ۱۰۳ سوره توبه است و به نظر قریب به اجماع مفسرین، آیه‌ای است که با نزول آن ادای زکات به صورت مصطلح واجب شد، - گرچه در این آیه نیز به لفظ «صدقه» آمده است - . این آیه به دو فلسفه زکات؛ یعنی فلسفه اخلاقی و تربیتی و فلسفه اجتماعی زکات پرداخته است. تفسیر المیزان معتقد است آیه در مقام بیان حکم وجوب زکات فقهی است و در تکمیل تفسیر آن با آیه بعد می‌فرماید: هدف از استفهام انکاری، ترغیب مردم به پرداخت زکات است؛ زیرا پیامبر ۹ و یا مأمور زکات از جانب خدا مأمور اخذ زکات است و ذکر توبه با ادای زکات، نشان‌دهنده این است که صدقه نیز مثل توبه پاک‌کننده است. هم‌چنان‌که توبه در بین اعمال به منزله صدقه است. لذا در آخر آیه میان دو اسم از اسمای خداوند «تواب و رحیم» جمع شده است (الطباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۹، ص ۳۷۸-۳۷۷).

لازم به ذکر است که کلمه صدقه یا صدقات در ۵ مورد در سوره توبه بکار رفته است. دو مورد آن در دو آیه ۵۸ و ۶۰ می‌باشد که با توجه به این‌که آیه ۶۰ در مقام بیان مصارف زکات واجب است، می‌توان گفت که وحدت سیاق آیات دلالت بر آن دارد که منظور خداوند از (صدقات) در آیه ۵۸ نیز زکات واجب است. اما در آیه ۷۹ این سوره مرحوم علامه معتقد است که کلمه (تطوع) به معنای عملی است که انسان در انجام آن اکراه نداشته و داوطلبانه بدان اقدام نماید، اما در واجبات، نوعی اجبار و تحمیل وجود دارد. چون آیه مؤمنان داوطلب را در مقابل کسانی قرار داده که بیش از توانایی خود صدقه نمی‌دهند، پس منظور آیه ۷۹ صدقات مستحبی که دسته‌ای از مؤمنان آن را با رغبت و بدون کوچک‌ترین ناراحتی ادا می‌کنند، می‌باشد (همان، ص ۳۵۱). اما در دو آیه ۱۰۳ و ۱۰۴ این سوره نیز به وحدت سیاق، منظور از کلمه صدقه و صدقات، زکات واجب است. زیرا در آیه ۱۰۳ خدا به پیامبر ۹ امر به گرفتن صدقه می‌کند و در ادامه آن و در آیه ۱۰۴ می‌فرماید در واقع آن‌کس که صدقات را اخذ می‌کند، خدای سبحان است. مثل آیه «إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ» و آیه «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى» (همان، ص ۳۷۸-۳۷۷).

بررسی الفاظ مشابه زکات

به منظور بررسی دقیق‌تر، الفاظ مشابه زکات (یعنی پرداخت‌های مالی عمومی که بدان امر شده و یا به مؤدیان آن ثواب و به روی‌گردانان از آن وعید عقاب داده شده است) را مورد مطالعه قرار می‌دهیم. به منظور اختصار، آیات مشابه را در گروه‌های مختلف دسته‌بندی نموده و فقط به شماره آیات بر اساس ترتیب نزول سوره‌ها بسنده نموده و مطالعه تفصیلی را به مقاله‌ای دیگر احاله می‌دهیم.

در قرآن به: الف) اطعام و مساعدت با مساکین در سوره مدثر (۲۶)؛^۲ فجر (۱۷ تا ۱۹) و انسان (۸) امر شده است.

ب) اطعام و مساعدت ایتام نیز در بقره (۲۲۰) و انسان (۸) مورد امر الهی قرار گرفته است.

ج) کمک به مساکین و نیازمندان در آیات سور قلم (۱۷ تا ۳۳) و لیل (۵ تا ۱۰)؛
بلد (۱۰ تا ۲۰) و یس (۴۱) بدان امر شد.

د) اتفاق که یکی از فرامین الهی در اسلام و دیگر ادیان گذشته می‌باشد، با بیانات
مختلف در آیات فرقان (۶۸)؛ فاطر (۲۹)؛ سبأ (۳۴ تا ۳۹)؛ شوری (۳۸)؛ ابراهیم (۳۱)؛
سجده (۱۶)؛ بقره (۱۹۵ و ۲۱۵ و ۲۱۹ و ۲۴۵)؛ انفال (۳ و ۳۶)؛ آل عمران (۱۷ و ۹۲ و
۱۳۴ و ۱۸۰ و ۱۸۶)؛ حدید (۱۰)؛ رعد (۲۲)؛ نور (۲۲)؛ حج (۳۵)؛ منافقون (۷ و ۸ و ۱۰)؛
توبه (۳۴ و ۴۱ و ۴۴ و ۵۳ و ۵۴ و ۹۸ و ۹۹ و ۱۱۱ و ۱۲۱) بدان امر شده است.

ه) مساعدت با گروه‌هایی؛ مثل مساکین، ابن‌السبیل، ذی‌القربی و سائل محروم و ...
در آیات این سور مورد تأکید و امر قرار گرفته است: اسراء (۲۶ تا ۲۹)؛ ذاریات (۱۶ تا ۲۰)؛
نحل (۹۰)؛ حاقه (۳۴)؛ معارج (۲۴ و ۲۵)؛ بقره (۲۱۵) و نساء (۸ و ۳۶ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۰).
و) پرداخت حقوق محرومان از محصولات زراعی در معارج (۲۴ و ۲۵)؛ انعام
(۱۴۴) و روم (۳۶ تا ۳۸) مأمور به می‌باشند.

ز) قرض‌الحسنه در بقره (۲۴۵)؛ حدید (۱۱ و ۱۸) و تغابن (۱۷) مورد امر الهی
می‌باشد.

ح) اتفاق و تقابل آن با ربا در روم (۳۹) و در بقره (۲۶۱ تا ۲۸۰) با تفصیلی
منحصر به فرد برای اصلاح امور اقتصادی جامعه بشری مورد تأکید باری تعالی
قرار دارد.

ط) جهاد با اموال در انفال (۷۲)؛ حدید (۱۰)؛ حجرات (۱۵)؛ تغابن (۱۶)؛
صف (۱۰ و ۱۱)؛ توبه (۲۰ تا ۲۲ و ۴۱ تا ۴۴ و ۲۰ تا ۲۲ و ۸۱ و ۸۸ و ۸۹ و ۱۱۱ و ۱۲۱)
دیده می‌شود.

ی) وجوب خمس در انفال (۴۱) اثبات می‌شود و پرداخت صدقه در احزاب (۳۵)
و حدید (۱۸) بدان امر شده است.

ک) اما نساء (۳۷)؛ حدید (۲۴)؛ محمد (۳۷ و ۳۸)؛ تغابن (۱۶) و توبه (۳۴ تا ۶۷ و
۷۵ تا ۷۹) بر نکوهش بخل و رذیله شحّ نفس دلالت دارد.

نتیجه‌گیری

بررسی آیات و سوره‌های مکی نشان می‌دهد که زکات در مکه نوعی تکلیف و وظیفه مالی بود تا در عسر و سخت‌گیری عمومی که به دلیل ظهور دین جدید و مخالفت مشرکین به وجود آمده بود، به صورت یک تعاضد اجتماعی، مشکلات اقتصادی مسلمانان که عمده آنان از فرودستان بودند، را حل کند. شماره‌هایی که مشتمل بر لفظ زکات است، نشان می‌دهد که عمومی‌شدن دین اسلام و علنی‌شدن تبلیغ آن و افزایش ایمان‌آوردندگان و سخت‌گیری عمومی و بالأخص اقتصادی بر علیه مسلمانان، موجب شد تا ادای زکات در آیات، بیش‌تر مورد امر خداوند قرار گرفته و بر آن تأکید بیش‌تری صورت گیرد. لذا می‌بینیم که بعد از سوره مزمل (با توضیحی که در مورد مدنی‌بودن آیه ۲۰ آن بیان شد)، از سوره اعراف (سوره ۳۹م) تعداد سور مشتمل بر زکات بیش‌تر گردیده و پس از آن در سوره مریم (سوره ۴۴م) زکات در دو آیه به عنوان واجبی از واجبات ادیان دیگر معرفی شده است. در سوره نمل (سوره ۴۷م) و لقمان (سوره ۵۷م) و سوره مؤمنون (سوره ۷۴م) به مؤمنان امر شده است و در سوره فصلت (سوره ۶۱م) عدم ادای آن از مشخصات مشرکین و در سوره انبیاء (سوره ۷۳م) از دستورات اولیای الهی می‌باشد و در سوره روم (سوره ۸۴م) در مقابل ربا بیان شده که خدا آن را سبب زیادی قرار می‌دهد. همچنین خداوند در مکه به امور مالی دیگری امر کرده که عبارتند از: انفاق، احسان، قرض الحسنه، ماعون، آزادی بردگان، حق الحصاد، حق معلوم. در مورد حق حصاد و حق معلوم باید گفت که حق حصاد در آیه ۱۴۱ سوره انعام ذکر شده است. این آیه در مورد باغات میوه و مزارع بیان می‌کند که از ثمرات آن استفاده کنید و در هنگام برداشت، حق آن را ادا نموده و از اسراف خودداری کنید. لذا بعضی از فقها، مثل شیخ طوسی در خلاف و شافعی و مجاهد و نخعی حق حصاد را واجبی غیر از زکات متعارف می‌دانند. زیرا زکات نصاب و میزان معینی دارد، ولی حق حصاد میزان معینی ندارد و تنها در ادای آن نباید اسراف شود (متظری، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۳-۲۱). ولی از بعضی از روایات

فهمیده می‌شود که حق حصاد لازم بوده و موارد آن اعطای مقداری از محصول هنگام برداشت آن به کسی است که درخواست می‌کند یا به نیازمند داده می‌شود یا بازگذاشتن حصار باغ برای استفاده از محصولات کم کیفیت و موارد مشابه می‌باشد (الکلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۳، ص ۵۶۵). در سوره‌های ذاریات و معارج، حق معلوم، واجبی مالی غیر از زکات است که مقدار آن را صاحب مال معین می‌کند و فرد هر از چند گاهی آن را به نزدیکان اعطا می‌کند. گرچه بر اساس دو روایت سماعة بن مهران و ابی بصیر از امام صادق ۷ مواردی؛ مثل حق معلوم، ماعون، انفاق و صدقه و صله رحم، قرض الحسنه، عاریه و کار نیک، حقوقی واجب غیر از زکات می‌باشند (الکلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۳، ص ۴۹۹ و الحر العاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۲۹-۲۷) و در بعضی از روایات بدان زکات باطن نیز اطلاق می‌شود (الحر العاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۳۰ و الکلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۳، ص ۵۰).

با هجرت پیامبر اکرم ۹ به مدینه و شکل‌گیری جامعه مدنی و تشکیل حکومت و نهادهای حکومتی، ملاحظه می‌شود که عمده احکام از جمله احکام زکات در آن‌جا نازل شده است. لذا سوره‌های بیشتر و تعداد آیات بیشتری مشتمل بر کلمه زکات می‌باشد. در سوره بقره (سوره ۸۷ ام و اولین سوره مدنی) ۵ آیه وجود دارد که این خود تأکید بر این امر مالی در آغاز تشکیل جامعه مدنی و حکومت می‌باشد. در سوره احزاب (سوره ۹۰ ام) یک آیه؛ در سوره نساء (سوره ۹۲ ام) دو آیه؛ در سوره بینه (سوره ۱۰۰ ام) یک آیه؛ در سوره نور (سوره ۱۰۴ ام) دو آیه؛ در سوره حج (سوره ۱۰۴ ام) دو آیه؛ در سوره مجادله (سوره ۱۰۶ ام) یک آیه؛ در سوره مائده (سوره ۱۱۳ ام) دو آیه و در نهایت در سوره توبه (سوره آخر) ۸ آیه مشتمل بر زکات و احکام آن می‌باشد. نکته قابل ذکر در سور مدنی، جامع بودن آیات مشتمل بر زکات است؛ به نحوی که در آن‌ها تنها به زکات امر نشده بلکه در کنار صلوات و دیگر دستورات دینی و اجتماعی به زکات نیز امر شده است؛ زیرا قوام جامعه به انجام تمامی دستورات و احکام فردی و اجتماعی است. هم‌چنین به نظر می‌رسد که احکام زکات؛ مثل احکام حرمت ربا و شرب خمر به تدریج نازل و

کامل گردید؛ به نحوی که در مکه و مدینه به صورت فردی بوده و گاهی به عنوان واجبی از واجبات ادیان دیگر بیان شده و افراد مکلف بودند تا به صورت واجب فردی آن را پرداخت نمایند. یعنی ما يتعلق به و مصارف آن عام بود، ولی در مدینه مصارف آن در سال هشتم و در آیه ۶۰ سوره توبه بیان گردید.

در مجموع می‌توان گفت که زکات در کنار دیگر پرداخت‌های مالی (مثل انفاق، احسان، قرض الحسنه، ماعون، آزادی بردگان، حق الحصاد، حق معلوم) در مکه و به نحو اجمالی واجب شده بود؛ زیرا وعده ثواب به مؤدیان و وعید عقاب به روی‌گردانان از این امر عبادی - اجتماعی مهم‌ترین دلیل بر آن است. در مدینه و با گسترش اسلام و افزایش تعداد مسلمانان و شکل‌گیری جامعه‌ای مدنی و ساختار حکومتی، نوبت تدوین قوانین یک جامعه مدنی بود، لذا عمده احکام در مدینه از جانب خداوند نازل و یا توسط پیامبر اکرم ۹ بیان شد که احکام، شرایط، نصاب و مصارف زکات نیز در مدینه بیان شد. گرچه عده‌ای دیگر از اندیشمندان که از تعداد قابل توجهی برخوردارند، معتقدند که زکات در سال دوم هجری واجب گردیده، ولی مصارف آن در سال‌های پایانی عمر شریف رسول‌الله ۹ و در آیه ۶۰ سوره توبه بیان گردیده است. در تفسیر نمونه آمده است:

اطلاق زکات بر زکات مستحبّ در قرآن مجید فراوان است. در بسیاری از سوره مکی (آیه ۳ سوره نمل و آیه ۳۹ سوره روم و ۴ سوره لقمان و ۷ سوره فصلت و غیر این‌ها) این کلمه آمده که منظور از آن، همان زکات مستحبّ است؛ زیرا وجوب زکات مسلماً بعد از هجرت پیامبر اکرم ۹ به مدینه بود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۵۳۳-۵۳۲).

اما ابهام جدی این است که بسیاری از آیات مکی همراه ثواب برای پرداخت‌کنندگان زکات و یا وعید به خاطر روی‌گردانی از زکات و دیگر مساعدت‌های اجتماعی می‌باشد و این چگونه با عدم وجوب جمع می‌شود؟ هم‌چنین قول تفسیر نمونه و بعضی از بزرگان مبنی بر این که زکات با نزول آیه ۱۰۳ سوره توبه واجب شده باشد (همان، ص ۹)، با یک ابهام دیگر مواجه است که

نزول سوره توبه در سال هشتم هجری و عمده آیات آن در مورد حجة الوداع و جنگ حنین می‌باشد و این با ادعای وجوب زکات در سال دوم منافات دارد، مگر این‌که بگوییم زکات با نزول آیات دیگری (مثل آیات سوره بقره) واجب شده باشد. لذا می‌توان گفت که کلمه (خذ) در آیه ۱۰۳ سوره توبه تنها پیامبر اکرم ۹ را مورد خطاب قرار داده و ایشان را مأمور جمع‌آوری زکات نموده و این منافاتی با وجوب زکات در زمان‌های قبل ندارد؛ به نحوی که زکات در مکه و یا در سال دوم هجرت بر مسلمین و به صورت فردی واجب شده ولی در سال هشتم با نزول آیه ۱۰۳ توبه پیامبر اکرم ۹ به عنوان حاکم مکلف شد تا خود ایشان زکات را اخذ و به مصارف مربوطه تخصیص دهد. بنابراین، باید پذیرفت که این آیه مربوط به وجوب زکات نیست. هم‌چنین تا قبل از این زمان، مصارف زکات نیز عام بوده و کلیه مصارف عام، بالأخص اطعام ایتام و فقرا، آزادسازی بردگان، احسان و دیگر موارد مذکور در قرآن کریم بوده، ولی با نزول آیه ۶۰ سوره توبه مصارف هشت‌گانه زکات فقهی مشخص گردید. در نتیجه در سال هشتم و با تشکیل حکومت اسلامی و تأسیس بیت‌المال، زکات به صورت متمرکز و از جانب حاکمیت و شخص پیامبر ۹ با شرایط و نصاب معین و از اموال خاص، دریافت و با شروطی که در فقه ذکر شده توزیع می‌شد. در همین راستا مأموران جمع‌آوری زکات از طرف پیامبر ۹ به هر سو اعزام شدند و این رویه در دوران بعد از ایشان از جمله امیرالمؤمنین علی ۷ نیز رواج داشت. هم‌چنین موضوع (ما يتعلق به) زکات نیز در مکه و تا قبل از تعیین آن توسط پیامبر اکرم ۹ عام بوده و شامل همه موارد مایملکی که افراد مازاد بر نیاز داشتند، می‌شد، ولی در مدینه و با نزول آیه ۱۰۳ سوره توبه توسط آن وجود نازنین در موارد ۹ گانه مشهور تعیین شد. روایات باب هشتم وسائل الشیعه که پیامبر ۹ در غیر نه مورد عفو فرمودند، مؤید آن است (الحر العاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۳۸-۳۲) که در بعضی از روایات به عنوان زکات باطنه تعبیر شده است که در روایت مفضل از امام صادق ۷ زکات ظاهر همان زکات فقهی و زکات باطنی برتری دادن برادر مؤمن بر خود است، در مواردی که او از انسان محتاج‌تر است (الکلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۳، ص ۵۰۰).

پیامی که مقاله برای نظام مالیاتی کشور و دیگر کشورهای مسلمان می‌تواند داشته باشد را می‌توان این‌گونه برشمرد. **اولاً:** نظام مالی در اسلام بر مسائل توحیدی و باور به آخرت استوار است که وفاداری به آن، سبب اجر اخروی و تحکیم جامعه اسلامی و انسانی گردیده و تخطی از آن سبب دوری از رحمت حق و عذاب اخروی می‌شود و بدین وسیله یک نیروی درونی سبب خوداظهاری صحیح در نظام مالی اسلام گردیده و در نتیجه مشکلات نظامات مالیاتی دیگر؛ مثل فرار مالیاتی، اجتناب مالیاتی، اصابت مالیاتی در آن کم‌تر خواهد بود. **ثانیاً:** تدریجی‌بودن وجوب زکات به عنوان یکی از عناصر نظام مالیاتی اسلام و این‌که موارد تعلق زکات و دیگر موارد مذکور در مقاله نحوه توزیع و مصرف آن به حسب شرایط جامعه اسلامی و به حسب دستور پیامبر اکرم ۹ به عنوان والی جامعه اسلامی تغییر نمود. لذا نوعی انعطاف‌پذیری در نظام مالی صدر اسلام وجود داشته و این امر نیز می‌تواند به حسب شرایط جامعه اسلامی و بر اساس سازوکار نظام تصمیم‌سازی در جامعه اسلامی و با دستور ولی فقیه قابل اجرا باشد.

یادداشت‌ها

۱. که بر اساس قواعد صرفی حرف (واو) ما قبل مکسور تبدیل به (یا) می‌گردد؛ مثل (رَضِو) که به (رَضِی) تغییر پیدا می‌کند.
۲. در این بخش شماره اعداد داخل پرانتز، شماره آیات مرتبط با موضوع می‌باشد.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، ج ۳، دمشق: دار الفکر، ۱۹۷۹م.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی، لسان العرب، ج ۱۴، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
۴. ایازی، سیدمحمدعلی، کاوشی در جمع قرآن، رشت: انتشارات کتاب مبین، ۱۳۷۸.

۵. بهجت پور، عبدالکریم، تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول)، مبانی، اصول، قواعد و فوائد، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲.
۶. الجوهری، اسماعیل بن حماد، تاج اللغة و صحاح العربية، ج ۶، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷ق.
۷. الحر العاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعة، ج ۶، تهران: المكتبة الاسلامیة، الطبعة السادسة، ۱۴۰۳ق.
۸. الحلّی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، بیروت: دار الزهراء، ۱۹۸۳م.
۹. دروزه، محمد عزّه، التفسیر الحديث (السور مرتبه حسب النزول)، ج ۱، بیروت: دار احیاء الكتب العربیة، ۱۳۸۱ق.
۱۰. الراغب الاصفهانی، حسین بن محمد بن مفضل، المفردات فی غریب القرآن، تهران: دفتر نشر الكتاب، ۱۴۰۴ق.
۱۱. الطباطبائی الیزدی، السید محمد کاظم، العروة الوثقی، ج ۴، تهران: المكتبة العلمیة الاسلامیة، الطبعة الثالثة، ۱۳۶۳.
۱۲. الطباطبائی، السید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ۲، ۹، ۱۵ و ۱۹، قم: مؤسسة الاسلامیة، الطبعة الثانية، ۱۳۷۸.
۱۳. الطبرسی، فضل بن الحسن، مجمع البیان، ج ۹، بیروت: دارالعرفه، ۱۴۰۸ق.
۱۴. الطریحی، الشیخ فخرالدین، مجمع البحرین، بیروت: دار مكتبة الهلال، ۱۹۸۵م.
۱۵. فرشچیان، رضا، «نقدی بر تفسیر، به ترتیب نزول»، پژوهش دینی، ش ۱۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.
۱۶. الكلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، ج ۳، تهران: تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۸۸ق.
۱۷. المعلوف، لوئیس، المنجد فی اللغة و الاعلام، بیروت: دار المشرق، الطبعة السابعة و الثلاثون، ۱۹۹۸م.
۱۸. معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ۱۳۸۸.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲، ۶، ۷ و ۸، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۸۷.

۲۰. منتظری، حسینعلی، کتاب الزکاة، ج ۱، قم: المركز العالمی للدراسات الاسلامیة، ۱۴۰۸ق.
۲۱. مهدوی راد، محمدعلی، آفاق تفسیر، تهران: هستی نما، ۱۳۸۲.
۲۲. الموسوی الخوئی، السید ابوالقاسم، مستند العروة الوثقی، ج ۹، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۳۶۴.
۲۳. النجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۱۵، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة السابعة، ۱۹۸۲م.

